

مقدمه

نفقه عبارتست از همه ی نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن. البسه. غذا. اثاث منزل و هزینه های درمانی و بهداشتی و هر آنچه را به صورت عادت یا احتیاج لازمه ی زندگی وی باشد.

البته قانون میزان دقیقی برای نفقه مشخص نکرده و بیان نکرده که مثلاً نفقه ی روزانه ی زن بیست هزار تومان باشد بلکه نفقه را بر مبنای نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن و منطبق با عرف زمان و مکان زندگی زوجین دانسته است.

اگر چه در قانون مدنی و کیفری ایران نسبت به پرداخت نفقه تاکید بسیاری شده است تا به این وسایل مردان ملزم به پرداخت حق و حقوق شرعی و قانونی همسر خود باشند اما در مواردی نیز به آنها اجازه داده شده است که از پرداخت آن خودداری کنند و مهمترین چراغ سبز قانون مدنی برای ندادن نفقه به زن ماده ی ۱۱۰۸ ق.م است که میگید هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود.

طبق این ماده عدم تمکین مجوزی برای ندادن نفقه است البته تمکین تابع عرف اقوام و نزدیکان است.

در اصطلاح قانونی یا حقوقی تمکین عبارتست از برآوردن نیازهای شوهر و اجابت کردن خواسته های مشروع او. یکی از موارد داشتن رابطه ی زناشویی است که در این مورد تنها به جز موارد خاص شرعی و بیماری یا درخواست های خلاف شوون اخلاقی یا مغایر با سلامت جسم و روح زن باید با همسر خود تمکین کند.

از موارد دیگر تمکین اقامت در اقامتگاه دائمی شوهر است یعنی زن برای دریافت نفقه باید در خانه ی شوهر زندگی کند مگر یک استثنا و آن اینکه در خود عقد ازدواج شرطی غیر از آن شده باشد که زن در منزل دیگری یا خانه ی دیگری زندگی کند.

اگر زن بدون دلیل موجه و بدون موافقت شوهر خانه را ترک کند و حتی در خانگی پدر یا مادر خویش اقامت کند مرد می‌تواند ازدادن نفقه ی وی امتناع کند و ان را پرداخت نکند .

مورد دیگر الزام زن به حسن معاشرت با شوهر خویش است زنی که بدون دلیل موجه از تمکین خودداری و رن ناشزه یعنی نافرمان و خاطی نامیده میشود و در این صورت علاوه بر اینکه مرد از دادن نفقه معاف خواهد بود بلکه میتواند تقاضای طلاق وی را نیز از دادگاه بخواهد و میتواند تجدید فراش (زن دیگر اختیار کند) کند .

سوء رفتار زن یا انتخاب شغلی مغایر با شوون اخلاقی و وظایف زناشویی و داشتن معاشران فاقد صلاحیت اخلاقی از دیگر موارد نشوز محسوب خواهد شد .البته تمکین به معنای تسلیم بی چون چرای زن در مقابل مرد و پاسخ دادن به خواسته های نا مشروع وی نیست .چنانچه زن به دلیل عذر شرعی یا مسایل پزشکی قادر به ایفای وظایف زوجیت نباشد یا برای انجام واجب شرعی ناچار باشد به مسافرت برود واز شوهر اجازه نگیرد ناشزه محسوب نمیشود و نفقهی وی بر عهده ی شوهر است .

بررسی قانون نفقه و برداشتهای مختلف از آن

نفقه همسر امری است که بعد از عقد و ازدواج و پس از حضور زن در خانه شوهر مطرح می‌شود و پیامدهای مالی و حقوقی دارد که طرفین باید از آن مطلع باشند.

تعریف نفقه

نفقه یعنی انفاق و کمک کردن از باب نیکوکاری که این انفاق گاهی الزام آور می‌شود مانند نفقه زوجه و فرزندان و اقارب. از منظر حقوقی ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی نفقه را این‌گونه تعریف می‌کند: نفقه عبارت است از نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض.

مقدار نفقه با توجه به استطاعت مرد برابر میزانی است که موجب گذران زندگی زن شود و تقریباً مایحتاج اولیه زندگی زن را اداره کند، اگر مبلغی که زوج به عنوان نفقه به زوجه می‌پردازد به قدری باشد که کفاف تهیه مسکن یا کرایه مسکن و خرید لباس و اثاث البیت و غذا را بنماید مشمول ترک انفاق نیست ولو نفقه یک روز باشد، اما اگر فقط مبلغی جزئی در حد کفاف غذا و مخارج روزانه به زوجه بپردازد، بدون تهیه مسکن و اثاث و لباس و سایر شقوق و جزییات اموری که انفاق قانونی محسوب می‌شوند مشمول ترک انفاق است. آنچه قابل تامل است این است که قانون مدنی ایران در مورد مخارج زایمان ساکت است لیکن برخی از فقها معتقدند مخارج درمان بیماری‌ها که در طول عمر نوعاً انسان به آن مبتلا می‌شوند به عهده شوهر است، ولی مخارج بیماری‌های غیرمعمول و صعب‌العلاج از جمله نفقات واجبه نیست. در مقابل برخی دیگر از فقها از جمله حضرت آیت‌الله خویی هر نوع بیماری را جزو نفقات واجبه شمرده‌اند، حتی مخارج سفری را که برای علاج

ضرورت دارد از جمله نفقات واجبه شمرده‌اند همچنین دکتر ناصر کاتوزیان حقوقدان می‌گوید: آنچه اهمیت دارد این است که شوهر باید به عنوان ریاست خانواده تامین معاش زن و فرزندان خود را عهده‌دار شود. به نظر می‌رسد تحول شیوه زندگی هر روز نیازهای تازه به وجود می‌آورد این فازها را نمی‌توان در چارچوب معینی محصور کرد و ناچار باید داوری و قضاوت را به عهده عرف گذاشت، بنابراین در تعریف نفقه زن می‌توان گفت: تمام وسایلی که زن با توجه به درجه تمدن و محیط زندگی و وضع جسمی و روحی خود بدان نیازمند است و تشخیص این که کدام وسیله را باید از ارکان نفقه زوجه شمرد با عرف است و ملاک ثابتی ندارد.

شرایط وجوب نفقه

ازدواج دائمی و تمکین از شرایط واجب برای ایجاد نفقه هستند. ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی می‌گوید: در عقد دائم نفقه زن به عهده شوهر است بنابراین در ازدواج موقت، زن استحقاق دریافت نفقه را ندارد مگر این که در حین عقد شرط شده باشد اما در ازدواج دائمی به محض تمکین، زن مستحق دریافت می‌شود.

در ارتباط با معنای تمکین باید گفت تمکین به دو بخش تمکین عام و تمکین خاص تقسیم می‌شود. تمکین عام، فرمانبرداری در تمام امور کلی زندگی است و زن موظف به پیروی و اطاعت از شوهر است و تمکین خاص اطاعت از نیازهای غریزی مرد از جانب زن است.

در همین رابطه ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی تصریح می‌کند: هر گاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند، مستحق نفقه نخواهد بود.

البته لازم به توضیح است که زندانی شدن زن فورس ماژور محسوب و مانع تمکین است اما موجب عدم استحقاق نفقه نیست.

ترک منزل از ناحیه زوجه و تعلیق نفقه

زوج وظیفه دارد که در حد توانش منزلی مستقل و متناسب با شوونات زوجه فراهم کند، حال اگر این منزل از جنبه شوونات اجتماعی مطابق حال زن باشد ولی به سربردن در آن منزل موجب شود که احتمال ضرر و زبان شرافتی یا بدنی (آزار و اذیت) زوجه برود، خروج وی از منزل نشوز و عدم اطاعت محسوب نمی‌شود و نفقه تا زمان بر طرف شدن مشکل به وی تعلق خواهد گرفت.

موارد سقوط نفقه

۱- نشوز زن ۲- عقد موقت ۳- فوت مرد و ۴- طلاق بائن از موارد ساقط شدن نفقه هستند.

نفقه حقی است که در صورت عدم نشوز به زن تعلق می‌گیرد و این بدان معنی است که صرف ادعای زن و درخواست زن او صاحب حق است و نیاز به اثبات این که به او نفقه تعلق می‌گیرد نیست و این امکان به واسطه رابطه زوجیت فراهم شده البته این تعلق نفقه وابسته به تمکین کامل اعم از تمکین عام و خاص است. لذا با تحقق تمکین عام و سرپیچی از تمکین خاص یا برعکس نفقه تعلق نمی‌گیرد، ضمن این که به طور کلی اثبات انفاق در صورتی که دلایل و شواهد مشخصی بر عدم تمکین زوجه نباشد با مرد است و همین طور زمانی که ادعای عدم تمکین وجود دارد، مرد باید ادعای خود را با مدارک و شواهد و اسناد به اثبات برساند. لذا به محض

درخواست نفقه از طرف زن مرد ملزم به ارائه ادله مبنی بر عدم تمکین زن است که این کار با روال معمول حقوقی جامعه ما از طریق ارسال اظهارنامه صورت می‌گیرد.

در مورد نفقه طلاق نیز ماده ۱۱۰۹ قانون مدنی می‌گوید: نفقه مطلقه رجعیه در زمان عده به عهده شوهر است مگر این که طلاق در حال نشوز واقع شده باشد، لیکن اگر عده از جهت فسخ نکاح یا طلاق بائن باشد، زن حق نفقه ندارد مگر در صورت حمل از شوهر خود که در این صورت تا زمان وضع حمل حق نفقه خواهد داشت. (طلاق رجعی: طلاقی است که در ایام عده مرد حق رجوع به زن را دارد، اما در طلاق بائن مرد چنین حقی ندارد چرا که رابطه زوجیت کلاً قطع می‌شود)

ماده ۱۱۱۰ نیز در خصوص نفقه زن در صورت فوت مرد می‌گوید: در ایام عده وفات که ۴ ماه و ۱۰ روز است، مخارج زندگی زوجه عندالمطالبه از اموال اقاربی که پرداخت نفقه به عهده آنان است (در صورت عدم پرداخت) تامین می‌شود.

- ویژگی‌های نفقه

- نفقه زوجه مقدم بر نفقه اقارب واجب‌النفقه است، زیرا پدر و مادر در مقابل فرزند تکلیفی ندارند در حالی که زن در برابر شوهر تکلیف دارد.

- تقدم نفقه بر ساير ديون

- شرط نفقه اقارب، ناتوان بودن والدین است، اما اگر زن استقلال مالی نیز داشته باشد، مستحق نفقه است.

- نفقه گذشته زن دین است و مرد باید پردازد.

نفقه در مدت عقد و قبل از ازدواج

در مدت فاصل میان عقد و انجام ازدواج، نفقه‌ای به زن تعلق نمی‌گیرد، مگر این که زن برای شروع به زندگی اعلام آمادگی کرده باشد ولی مرد از بردن همسرش خودداری کند که در این صورت زن مستحق دریافت نفقه است. در این صورت زوجه باید بتواند ادعای خود را ثابت کند یعنی یا باید به نزدیک‌ترین مجتمع قضایی محل سکونت خود مراجعه، ۳ برگ اظهارنامه دریافت و آمادگی خود را اعلام کند یا این که چند نفر را به شهادت بگیرد و استشهادیه‌ای تنظیم کند. همچنین به زنی که بعد از عقد، شروع به زندگی زناشویی و رفتن به خانه شوهر را منوط به پرداخت مهریه کند، نفقه تعلق می‌گیرد و مرد مکلف است نفقه وی را پردازد.

ضمانت اجرایی عدم پرداخت نفقه

نکته مهمی که باید به آن توجه شود این است که نپرداختن نفقه نه تنها به صورت یک دعوی حقوقی و از طریق دادگاه‌های خانواده قابل رسیدگی است، بلکه از نقطه نظر جزایی نیز جرم محسوب می‌شود و می‌توان از طریق طرح شکایت به مراکز انتظامی و کلاتری‌ها و مراجعه به دادگاه‌های جزایی تقاضای رسیدگی نمود.

شکایت کیفری

زن در یک برگ عادی شکایت خود را نوشته و آن را به دادگاه ارائه می‌دهد. در این صورت به شکایت وی خیلی سریع رسیدگی می‌شود و در صورت اثبات ادعا مرد به مجازات تعزیری محکوم خواهد شد. لازم به ذکر است نفقه حال از طریق شکایت کیفری قابل مطالبه است و نفقه گذشته با ارائه دادخواست حقوقی قابل پرداخت است. ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی می‌گوید: هر کس با داشتن استطاعت مالی نفقه زن خود را در صورت تمکین ندهد یا از تادیه نفقه سایر اشخاص واجب‌النفقه امتناع کند، دادگاه او را از ۳ ماه و یک روز تا ۵ ماه حبس محکوم می‌کند.

دادخواست حقوقی

زوجه پس از خرید دو نسخه دادخواست باید خواسته خود را در آنها قید کند و چون دعوای نفقه مالی است به میزان مبلغ مورد مطالبه تمبر الصاق و آن را به دادگاه خانواده تقدیم کند، وی می‌تواند در دادخواست خود هزینه دادرسی را نیز مطالبه کند در صورت عدم توانایی مرد به پرداخت نفقه یا این که به هیچ طریقی نتوان مرد را مجبور به پرداخت نفقه کرد یا مالی هم از او به دست نیاید که از آن محل نفقه زن پرداخت شود، زن می‌تواند دادخواست طلاق تنظیم کند.

درآمد. یکی از حقوق مسلم زن در نظام خانواده، دریافت نفقه از شوهر خویش است. این حق از دیرباز در مقاطع مختلف تاریخی و در میان بسیاری از ملت‌ها وجود داشته است. اسلام این حق را به رسمیت شناخته و احکام و شرایط ویژه‌ای به آن بخشیده است. مقصود ما در این نوشتار بررسی نفقه از دیدگاه اسلام است.

مفهوم نفقه.

الف) در لغت: دانشمندان علم لغت، برای واژه نفقه ریشه‌های مختلفی ذکر کرده‌اند که بازگشت همه آنها به دو امر است.

۱. خروج، رفتن، مستهلک شدن

۲. رایج شدن

جوهری، لغت‌شناس معروف معتقد است که معانی نفقه به استعمال آن بستگی دارد. (۱) منظور از نفقه در اینجا خروج مالی از اموال شخص است.

ب) در اصطلاح: فقهای امامیه عموماً نفقه را به معنای تأمین غذا، لباس، مسکن و نیازمندی‌های ضروری می‌دانند (۲)

فلسفه وجوب نفقه

تأمین بودجه زندگی مشترک بر عهده سرپرست خانواده یعنی مرد است و زن هر چند خود دارای درآمد و تمکن مالی باشد، از نفقه محروم نخواهد بود. در اینکه چرا اسلام چنین تکلیفی را بر عهده مرد قرار داده است دلایل فراوانی وجود دارد. گویا اسلام می‌خواهد

در برابر تمکین و اطاعت زن از شوهر خویش چنین هزینه‌ای را بر مرد واجب کند و بدین وسیله تعامل دو جانبه و تساوی حقوق را به اجرا درآورد. از جمله اینکه گفته شده است، رنج طاقت‌فرسای تولید نسل، بر عهده زن است

واین امر نیروی بدنی و توانایی کاری زن را کاهش می‌دهد همچنین باقی ماندن جمال و نشاط زن، مستلزم آسایش بیشتر است و این با کار دائمی خارج از منزل منافات دارد.

و نیز ساختار وجودی زن و عواطف خاص او با درون منزل سازگارتر بوده و ویژگی جسمی و روحی مرد با کار و تلاش در خارج منزل تناسب دارد.

ادله فقهی وجوب نفقه

۱. قرآن. آیات متعددی در قرآن کریم دلالت بر وجوب نفقه زوجه دارند:

«الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَنَاطٌ حَفِظَتْ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَالَّتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا» (نساء/۳۴)

مردان قیّم بر زنان‌اند، به خاطر فضیلتی که برخی از آنها بر بعضی دیگر دارند و نیز بدلیل اینکه از اموال خویش [به زنان] نفقه می‌دهند علامه طباطبایی در تبیین کلمه «قیّم» در اینجا کسی است که عهده‌دار مخارج دیگری شده و به وی نفقه می‌دهد.

المؤمنین» (بقره/۲۲۳)

و بر پدر فرزندان، پرداخت شایسته خوراک و پوشاک به زنان لازم است. (۳)

۲. روایات. روایات فراوانی به اصل وجوب نفقه همسر و همچنین مقدار و حدود آن تصریح کرده‌اند: امام صادق (ع) می‌فرماید:

«زنی به حضور پیامبر اکرم (ص) آمد و از حق زوجه سؤال کرد حضرت فرمود: حق زن بر همسرش آن است که او را برهنگی بپوشاند و از گرسنگی برهاند و به هنگامی که گناهی مرتکب می‌شود او را ببخشد» (۴)

موضوعات نفقه

نفقه اشیایی است که به عنوان نفقه زوجه از طرف زوج پرداخت می‌شود و «موضوعات نفقه» نام دارد.

برخی از فقها، فقط خوراک، پوشاک و مسکن را موضوعات نفقه می‌دانند.

بعضی دیگر علاوه بر سه مورد فوق اثاث منزل و خادم (در صورت عادت داشتن زن به خادم) را نیز جزء نفقه می‌دانند.

گروه سوم تمامی احتیاجات ضروری زن در زندگی را موضوع نفقه به شمار می‌آورند.

گروه چهارم علاوه بر ضروریات زندگی زن اعم از خوراک و پوشاک و دارو و... لوازم زینتی و آرایشی را نیز از موضوعات نفقه به حساب می‌آورند. (۵)

مقدار نفقه زوجه

وقتی می‌گوئیم بر مرد خانواده واجب است غذا، پوشاک، مسکن و نیز اثاث منزل برای همسر خویش تهیه کند سؤال می‌شود چه مقدار از آنها مورد نظر است آیا ملاک توانایی مالی مرد است یا نیازمندی و خواسته زن؟ در میان فقهای امامیه سه نظریه وجود دارد:

۱. عده‌ای معتقدند که ملاک وضعیت زوج است زیرا آیه قرآن می‌فرماید:

«لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ» (طلاق/۷)

شیخ طوسی آیه کریمه را چنین معنا می کند بر هر مردی واجب است نفقهٔ زوجه اش را به مقدار توانش پرداخت کند. (۶)

۲. برخی معتقدند ملاک حال زوجه است؛ مرد می بایست در پرداخت نفقه موقعیت و شأن خانوادگی زوجه را در نظر بگیرد بدین سان حتی تحصیلات، امتیازات و شرایط اجتماعی او در مقدار نفقه مؤثر خواهد بود. اکثر فقهای امامیه این نظریه را ترجیح داده اند. (۷)

۳. گروهی از فقها بر این عقیده اند که ملاک حال زوجین است. (۸)

شرایط وجوب نفقه

فقهای امامیه اتفاق نظر دارند که در وجوب نفقه همسر دو شرط لازم است.

۱. دائمی بودن عقد. بنابراین در ازدواج موقت پرداخت نفقه به زن واجب نیست مگر اینکه حین عقد بر آن توافق کرده باشند.

۲. تمکین کامل زوجه. تمکین در لغت به معنای فراهم ساختن و اطاعت آمده است. در صورتی که زن از انجام وظایف همسری سر باز زند نفقه او ساقط خواهد شد.

تقدم نفقه زن. پرداخت نفقه به زوجه بر نفقه اقارب (پدر و مادر و خویشاوندان) تقدم دارد همچنین بر دیگر دیون شوره مقدم است.

زمان وجوب نفقه

در اینکه وجوب نفقه از حین عقد است یا بعد از تمکین زن؟ دو نظریه وجود دارد:

۱. عده‌ای از فقهاء بر این باورند که عقد برای وجوب نفقه کافی است و تمکین لازم نیست اما نافرمانی مانع است. (۹)

۲. عده‌ای دیگر از فقهاء بر این عقیده‌اند که تا تمکین رخ ندهد یعنی زن خود را عرضه نکند نفقه واجب نمی‌شود یعنی تمکین کافی است. (۱۰)

موارد سقوط نفقه

۱. نشوز. نشوز به معنای سرکشی و تمرد است. هنگامی که زن از وظایف خویش در برابر شوهر سرباز زند حق نفقه او ساقط می‌شود. امام صادق (ع) به نقل از پیامبر گرامی اسلام می‌فرمایند:

«هر زنی که بدون اجازه شوهرش از منزل خارج شود، مستحق نفقه نیست تا اینکه باز گردد» (۱۱)

در این حدیث یکی از مصادیق نشوز ذکر شده است.

۲. زوجه صغیره. در صورتی که تمکین شرط وجوب نفقه باشد نه اینکه نشوز مانع آن. مسلماً در مورد زوجه صغیره تمکین جنسی منتفی بوده و نفقه واجب نخواهد بود. در مقابل کسانی که نشوز را مانع وجوب نفقه می‌دانند، نفقه زوجه صغیره را واجب می‌دانند.

۳. زوج صغیر و زوجه کبیره. عده‌ای از فقهاء از جمله شیخ طوسی معتقدند اگر سرپرست فرد صغیر برای او زن بالغی را عقد کند چون پسر نابالغ توانایی جماع با او را ندارد تعهد نفقه از وی ساقط است. (۱۲)

۴. زوجه مرتد. اگر زن مرتد شود نفقه وی ساقط می‌شود و چنانچه توبه کرد مجدداً نفقه‌اش واجب می‌شود. (۱۳)

نفقه فرزند

همان طور که می‌دانید، نفقه اولاد به عهده پدر است. در اینجا برای رفع برخی از ابهامات به نکاتی در خصوص نفقه فرزند می‌پردازیم.

اولاد تا چه زمانی مستحق دریافت نفقه هستند؟

در شرع و قانون سن معینی برای نفقه فرزندان در نظر گرفته نشده و عرفاً مادام که اولاد دارای شغل و درآمد مشخص نباشد، پدر نسبت به پرداخت نفقه مسوولیت دارد. البته در نفقه دختر و پسر تفاوتی نیز وجود دارد و آن این است که برای دختران تا زمانی که دختر ازدواج نکرده یا به شرایط استقلال مالی نرسیده پرداخت همه مخارج و نفقات وی به عهده پدرش است، حال این ازدواج چه قبل از سن رشد دختر و چه بعد از آن باشد یعنی اگر دختری حتی به سن بالایی هم برسد و دارای استقلال مالی نباشد یا ازدواج نکرده باشد می‌تواند نفقه خود را از پدر بخواهد. در مورد نفقه پسران برخی معتقدند که به محض حلول سن رشد نفقه فرزند ذکور قطع شده و پدر تکلیف شرعی در قبال وی ندارد، اما با توجه به وضعیت خاص اجتماعی و اقتصادی اکثریت اقشار جامعه و این که در شرایط فعلی اقتصادی و اجتماعی صرف حلول سن رشد نمی‌تواند موجب اثبات استقلال و عدم نیاز مادی فرزند ذکور به پدر باشد، جوان در دوران خدمت سربازی و در صورت ورود به مراکز تحصیلی عالی و

دانشگاهی نیز نیاز به حمایت مالی خانواده بخصوص پدر داشته و دادگاه با احراز شرایط قانونی برای این گونه فرزندان نیز ممکن است نفقه‌ای در نظر بگیرد.

سوال دیگر این است که در صورت فوت پدر یا عدم توانایی مالی او برای پرداخت نفقه اولاد چه کسی مسئولیت پرداخت نفقه را دارد؟

در این حالت این وظیفه به عهده جد پدری و در صورت نبودن پدر و جد پدری یا عدم قدرت آنها این وظیفه به عهده مادر است و اگر مادر هم زنده نباشد یا قادر به پرداخت نباشد، این وظیفه به عهده جد مادر است.

در مورد طفلی که از راه نامشروع به دنیا آمده، می‌توان گفت هرچند فرد زانی پدر قانونی طفل به حساب نمی‌آید، اما عرفاً پدر آن تلقی می‌شود و کلیه تکالیف مربوط به پدر مثل گرفتن شناسنامه و پرداخت نفقه به عهده اوست.

در شرایطی هم که بین فرزندان و والدین اختلاف باشد و فرزند جدا از والدین زندگی کند، هر چند عدم اطاعت فرزندان از پدر از نظر شرعی امر حرامی است، اما موجب سقوط نفقه نیست و پدر مکلف به پرداخت نفقه فرزندان است.

نفقه (قسمت اول)

ماده ۱۱۰۷- نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن ، البسه ، غذا ، اثاث منزل و هزینه های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض .

ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی بوضوح وضعیت نفقه و موارد آنرا مشخص میکند و مشخص است مرد وظیفه دارد بعد از عقد و بلا فاصله به وظیفه خود عمل کند .

ماده ۱۱۰۶ - در عقد دائم نفقه زن بعهده شوهر است .

و هر گونه کم و کاستی در انجام وظیفه باعث محکومیت و حتی برخورد قانونی میشود . بر اساس مقررات کیفری مربوط به نفقه در صورتی که مرد با وجود تمکین زن از دادن نفقه خودداری کند به حبس تعزیری محکوم میشود . شرایط خاصی هم وجود دارد که زن از تمکین درمقابل شوهر خود بدون عذر شرعی خودداری میکند که بواسطه این حالت و ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی حق نفقه او ساقط میشود .

ماده ۱۱۰۸ - هرگاه زن بدون مانع مشروع ازادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود .

اما موارد دیگری هم وجود دارد که قانون مدنی به آن اشاره کرده است .

ماده ۱۱۱۰- در ایام عده وفات ، مخارج زندگی زوجه عندالمطالبه از اموال اقاربی که پرداخت نفقه به عهده آنان است (در صورت عدم پرداخت) تامین می گردد .

ماده ۱۱۱۱ - زن می تواند در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه به محکمه رجوع کند در این صورت محکمه میزان نفقه رامعین وشوهر را به دادن آن محکوم خواهد کرد .

ماده ۱۱۱۲ - اگر اجراء حکم مذکور در ماده قبل ممکن نباشد مطابق ماده ۱۱۲۹ رفتار خواهد شد.

ماده ۱۱۱۵ - اگر بودن زن با شوهر در یک منزل متضمن خوف ضرر بدنی یا مالی یا شرافتی برای زن باشد زن می تواند مسکن علیحده اختیار کند و در صورت ثبوت مظنه ضرر مزبور محکمه حکم بازگشت به منزل شوهر نخواهد داد و مادام که زن در بازگشتن به منزل مزبور معذور است نفقه بر عهده شوهر خواهد بود.

ماده ۱۱۱۶ - در مورد ماده فوق مادام که محاکمه بین زوجین خاتمه نیافته محل سکناى زن به تراضی محکمه با جلب نظر اقربای نزدیک طرفین منزل زن رامعین خواهد نمود و در صورتی که اقربائی نباشد خود محکمه محل مورد اطمینان رامعین خواهد کرد.

ماده ۱۱۲۹ - در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه وعدم امکان اجراء حکم محکمه والزام او به دادن نفقه زن می تواند برای طلاق به حاکم رجوع کند و حاکم رجوع کند و حاکم شوهر او را اجبار به طلاق می نماید . همچنین است در صورت عجز شوهر از دادن نفقه .

اگر به متن قانون دقت داشته باشید در قانون سعی شده از هر لحاظ برای حقوق زن امکانات لازم در نظر گرفته شود شاید یکی از علل مراجعه فراوان زنها به دادگاه همین مقررات باشد ولی نکته قابل توجه در مورد حقوق آقایان این است که اصلاً بهتر است بگویم آقایان در قانون مدنی حقوقی ندارند. در صورتیکه زن خانه را رها کند و اصطلاحاً نافرمان و ناشزه شود فقط یکی از حقوق خود را از دست میدهد و آنهم نفقه میباشد در حالی که مرد از جهت نافرمانی زن هیچگونه حق قانونی خاصی شامل حالش نمیشود بخاطر همین زیاد دور از ذهن نیست که مردها حتی با اینکه زن مقصر بوده و زندگی را رها کرده باز هم علاقه ای به مراجعه به محاکم ندارند فقط با دادن اظهارنامه و ابلاغ قانونی این موضوع که از ایشان میخواهد به خانه برگردد ابزار قانونی زن را برای اینکه بعداً به دادگاه مراجعه کند و تقاضای نفقه کند خنثی کرده است .

شاید یکی از موارد پیش بینی شده در قانون حمایت از خانواده این مورد است که با ناشزه شدن زن مرد حق دارد ازدواج مجدد بکند که این موضوع هم مشروط به تمکن مالی مرد است تا بتواند خرج دو خانواده را با تهیه مسکن و اثاث منزل و بقیه مایحتاج بدهد .

با وجود اینکه وضعیت نفقه را بصورت مشخص در قانون مدنی بررسی کردیم بعضی شبهات همچنان در محاکم وجود دارد .

دختر و پسری عقد میکنند تا یکسال بعد عروسی کنند بعد از چند ماه اختلاف میافتد و دختر به دادگاه مراجعه میکند و مواد قانون مدنی را وسیله انتقام گیری میکند و عنوان میکند قصد زندگی کردن دارد ولی زوج از پرداخت نفقه و مهریه خودداری میکند .

طبق نظر اکثر علما و مراجع تقلید حضور دختر در خانه پدر مانع استحقاق نفقه میباشد ولی در عمل باید واقعیت موشکافی شود .

آیا پرداخت نفقه به زوجه ای که عقد کرده است و در خانه پدر میباشد واجب است یا خیر؟

آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی:

نفقه زوجه در این ایام لازم نیست.

آیت الله العظمی محمد علی فاضل لنکرانی:

اگر زوجه بدون دلیل موجه تمکین نکند، حق نفقه او ساقط است، بلی زوجه حق دارد برای دریافت تمام مهریه تمکین نکند که در این صورت ناشزه محسوب نشده و حق نفقه او ساقط نمی شود. والله العالم.

آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی:

در مدتی که به صورت متعارف در فاصله بین عقد و زفاف زن در خانه پدرش می ماند ادای نفقه او بر شوهر واجب نیست. والله العالم.

آیت الله العظمی حسین نوری همدانی:

در فرض مذکور پرداخت نفقه بر زوجه لازم نیست.

آیت الله العظمی محمد تقی بهجت:

اگر با مطالبه زوج تمکین نکند، حق نفقه ندارد.

در پرسش و پاسخها دقیقاً مشخص نشده که زن از حق حبس استفاده میکند و یا مورد دیگری بوده است اما من سعی میکنم این موضوع را روشن کنم. طبق قانون بنابر هر شرایطی زوجه از زوج تمکین نکند و این تمکین نکردن دلیل مشروع و قانونی نداشته باشد مستحق گرفتن نفقه نخواهد بود. اما حق حبس حقیست که همه علما و مراجع بر اساس قوانین شرع آنرا به رسمیت میشناسند بنابر این وقتی دختری در خانه پدر می باشد و هنوز عروسی نکرده میتواند از حق حبس استفاده کند و با وجود اینکه از زوج تمکین نمیکند مستحق گرفتن نفقه هم باشد. در صورتی که کار به قضاوت محکمه بکشد بدون تردید زوج به پرداخت نفقه محکوم میشود چون این جزء روح قوانین میباشد. اما زمانی زوجه با دلایل واهی از تمکین در مقابل زوج خودداری میکند در این حالت دیگر مستحق گرفتن نفقه نمیباشد حتی اگر دوشیزه بوده و در خانه پدر ساکن باشد.

روشهای قانونی برای اینکه از جهت حق حبس و استحقاق نفقه و مسائل دیگر مشکلی ایجاد نشود راههای زیر را پیشنهاد میکنم:

۱- مهریه در حد توان زوج باشد تا عندالمطالبه به همسرش بپردازد.

۲- در صورتی که مورد اول رعایت نشود باید موقع نوشتن و امضای توافقات زمان بله برون قید شود زمان عروسی در تاریخ فلان می باشد بر اساس همین اقدام مشخص خواهد شد که قبل از آن امکان تمکین وجود نداشته است و این عدم امکان به خواسته زوجه بوده است بواسطه این اقدام تا زمانی که زن در خانه پدر می باشد طبق نظر محکمه نیز نفقه شامل حال زن نمیشود. البته این یک نظر قطعی نیست و جای بحث دارد ولی اقدام شایسته ای در زمان امضای توافقات می باشد.

۳- اقداماتی مثل اینکه مهریه در صورت زیاد بودن از تاریخ مشخصی به بعد به زوجه پرداخت شود و یا اینکه در صورت استطاعت مالی مهریه پرداخت شود و یا شرط قسطی پرداخت کردن مهریه باعث میشود حق حبس زوجه ساقط شده و قبل از عروسی از جهت درخواست نفقه برای مرد مشکلی ایجاد نشود.

بدر نظر گرفتن مطالب پستهای قبل میخوام در مورد ایجاد مشکلات بنویسم زمانی که یک مرد در زندگی مشترک و روابط خانوادگی احساس خطر بکند و حدس بزند ممکن است از طرف همسرش اقدامات حقوقی آغاز شده است چه باید بکند؟

با توضیحاتی که در مورد قانون مدنی و مقررات حقوقی نوشتم واضح است که با بروز مشکلات زن براحتی میتواند مقدمات ضربه زدن به زندگی مشترک را فراهم کند و این مورد بیشتر از طریق مطالبات حقوقی مختلفی می باشد که در دادگاه به زوج تحمیل میشود و گاهی زنها برای به زانو در آوردن مرد و گرفتن طلاق و مهریه و نفقه این اعمال را انجام میدهند و اگر مطالب قبلی را خوانده باشید این امکان بوسیله قانون مدنی برای این منظور فراهم شده است.

اقداماتی که باید انجام شود تا خطرات ناشی از این ماجرا جوئیها به حداقل برسد مواردیست که به آن اشاره میکنم .

برای اطلاع از هر گونه اقدام قانونی از طرف زن میتوانید به نزدیکترین حوزه قضایی محل سکونت زوجه مراجعه کرده و از طریق بخش کامپیوتر و وارد کردن اسم همسر و اسم خود متوجه شوید که آیا دادخواستی به دادگاه ارائه شده است یا نه .

در صورتی که دادخواستی مطرح شده باشد به شما اصلاح داده میشود موضوع آن چیست و شعبه دادگاه برای شما مشخص خواهد شد که با مراجعه به آن شعبه از دادگاه اطلاعات تکمیلی را میتوانید دریافت کنید .

در هر صورت اگر اختلافات بصورتی پیش میرود که انتظار آن میرود که در آینده بخواهد اقدام قانونی خاصی صورت پذیرد حتماً در اولین فرصت به مشاورین حقوقی دادگستری که معمولاً در خود حوزه های قضایی دادگستری مستقر هستند مراجعه کنید و حداقل با چند مشاور مشورت کنید و به یک مشاوره اکتفا نکنید البته این مشاوره ها رایگان است و خرجی ندارد . چون وضعیت آن زمان شما ممکن است به هر شکلی باشد.

در صورتی که اختلافات به سمتی پیش میرود که احساس میکنید ممکن است در آینده وضعیت به اختلافات جدی بیانجامد حتماً از بزرگترها برای حل مشکل خود استفاده کنید و در نشستهای خانوادگی از زن دعوت کنید که به زندگی برگردد که به این شیوه رفتار کردن نتایج حقوقی خاصی دارد که بعداً در مورد آن صحبت میکنم .

در این موارد سعی کنید سریعاً کار را به دادگاه نکشانید و جو را آشفته نکنید سعی کنید صبر را پیشه خود کنید ولی نکاتی هست که لازم است آنرا در نظر بگیرید .

یکی از این مسائل مهم این است که مطمئناً در این مدت خرجهایی انجام میشود و خریدهایی انجام میشود زوجهای جوان و مخصوصاً تازه دامادها باید فاکتورهای خرید را به اسم خودشان نگهدارند و اگر خریدی مثل طلاجات و البسه و غیره . . . انجام میدهند فاکتورهای آنها به همراه تاریخ خرید آن حتما در نزد خود نگهدارند که این کار هم نتایج حقوقی خود را دارد ولی نکته ای را که در مورد آن تاکید میکنم این است که نباید به دیگران و شریک زندگیتان بد گمان باشید فقط چند درصد احتمال دارد که برای شما مشکل ایجاد شود و بخاطر این من خواستم این نکات را رعایت کنید .

اما نهایتاً بعد از همه این نکات در صورتی که زن زندگی را رها کرده باشد و از شما دوری کرده لازم است که اقدام به فرستادن اظهار نامه بکنید که نوشتن و فرستادن اظهارنامه در قسمت لینکها و فرمهای قضایی بخوبی توضیح داده شده است ولی برای فرستادن آن بازهم اقدام به مشورت با افراد خبره بکنید و خودتان به تنهایی اقدام نکنید. با این توضیح که اظهارنامه نامه قانونی است که بعداً در محاکم قابل استناد و دارای سندیت رسمی و قانونی میباشد .

نفقة در قانون مدنی

ماده ۱۱۰۶ - در عقد دائم نفقه زن به عهده شوهر است .

نظریه: در صورتیکه دادگاه حکم به سکونت زوجه در منزل جداگانه صادر نماید زوج مکلف به پرداخت نفقه است و ترک آن جرم و قابل مجازات است .

نظریه : زندانی شدن زوجه فورس ماژور محسوب و مانع تمکین است ، اماموجب عدم استحقاق نفقه نیست .
نظریه : اصل بر این است که زوجه در منزل زوج سکونت نماید لذا در مواردی که شرط توافق در محل انتخاب سکونت برای زوجه مقرر شده است و چنین توافقی حاصل نشود تعیین تکلیف با دادگاه خواهد بود و بعد از تعیین محل به وسیله دادگاه اگر زوجه در محل تعیین شده سکونت ننماید ناشزه خواهد بود .

نظریه : با وقوع نکاح دایم زوجه حق مطالبه نفقه و تعقیب را خواهد داشت .

نظریه : ترک انفاق متولد از زنا جرم بوده و مرتکب قابل تعقیب و مجازات است .

نظریه : عدم تمکین زوجه و عدم استطاعت مرد به پرداخت نفقه از موجبات صدور قرار اناطه نمی باشد .

نظریه : اگر مبلغی که زوج به عنوان نفقه به زوجه می پردازد به قدری باشد که کفاف تهیه مسکن و یا کرایه مسکن و خرید لباس و اثاث الیبت و غذا را بنماید مشمول ترک انفاق نیست ولو نفقه یک روز باشد ، اما اگر فقط مبلغی جزئی در حد کفاف غذا و مخارج روزانه به زوجه پردازد بدون تهیه مسکن و اثاث و لباس و سایر شقوق و جزییات اموری که انفاق قانونی محسوب می شوند مشمول ترک انفاق است و جنبه جزایی هم موکول به عدم پرداخت نفقه حال است (ولو یک روز) و اما مطالبه نفقه ایام گذشته (ولو روز گذشته) جنبه کیفری ندارد .

ماده ۱۱۰۷ (اصلاحی ۱۳۸۱/۸/۱۹) - نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن ، البسه ، غذا ، اثاث منزل و هزینه های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض .

نظریه: نفقه عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت که به طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و

خادم در صورت عادت زن به داشتن خادم یا احتیاج او به واسطه مرض یا نقصان اعضاء

ماده ۱۱۰۸ - هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود .

نظریه: الف - ماده ۱۱۰۹ ق. م. طلاق در حال نشوز را موجب استحقاق زوجه به نفقه طلاق رجعی ندانسته لذا

از ماده مرقوم و ماده ۱۱۰۸ همان قانون برمی آید که نشوز عبارت است از امتناع زوجه از ادای وظایف زوجیت

بدون مانع شرعی نه زوج . ب - امتناع زوج از ادای وظایف با توجه به آن وظیفه ، مشمول مقررات خاصی است

و حکم کلی در همه موارد ندارد . مثلاً استنکاف شوهر از دادن نفقه و عدم امکان اجرای حکم دادگاه و الزام او

به دادن نفقه به زوجه حق تقاضای طلاق را می دهد و امثال آن .

نظریه: بهانه زن به این که در خانه پدر و مادر شوهر حاضر به سکونت نیست از موانع مشروع مذکور در ماده (

۱۱۰۸) قانون مدنی نیست تا به استناد به آن تمکین نکند بلکه اگر زوجه مدعی آن است که زندگی در خانه پدر

و مادر شوهر برای او مخاطره آمیز یا موجب عسر و حرج و غیرقابل تحمل است و به این جهت خواهان منزل

مستقلی است برای اجرای نظر خود باید به دادگاه مراجعه و دادگاه پس از رسیدگی ، مسکن مناسب را تشخیص

و براین اساس اتخاذتصمیم نماید .

نظریه: اگر محکوم به فقط تمکین باشد و زن حاضر به اجرای حکم نگردد جز عدم استحقاق مشارالیهها به نفقه و

کسوه اثر دیگری بر حکم الزام به تمکین مترتب نیست

ماده ۱۱۰۹ - نفقه مطلقه رجعیه در زمان عده بر عهده شوهر است مگر اینکه طلاق در حال نشوز واقع شده باشد

، لیکن اگر عده از جهت فسخ نکاح یا طلاق بائن باشد زن حق نفقه ندارد مگر در صورت حمل از شوهر خود

که در این صورت تا زمان وضع حمل حق نفقه خواهد داشت .

ماده ۱۱۱۰ (اصلاحی ۱۳۸۱/۸/۱۹) - درایام عده وفات ، مخارج زندگی زوجه عندالمطالبه از اموال اقاربی که پرداخت نفقه به عهده آنان است (در صورت عدم پرداخت) تامین می گردد .

ماده ۱۱۱۱ - زن می تواند در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه به محکمه رجوع کند در این صورت محکمه میزان نفقه را معین و شوهر را به دادن آن محکوم خواهد کرد .

ماده ۱۱۱۲ - اگر اجرای حکم مذکور در ماده قبل ممکن نباشد مطابق ماده (۱۱۲۹) رفتار خواهد شد .

ماده ۱۱۱۳ - در عقد انقطاع زن حق نفقه ندارد مگر اینکه شرط شده یا آنکه عقد مبنی بر آن جاری شده باشد .

ماده ۱۱۱۴ - زن باید در منزلی که شوهر تعیین می کند سکنی نماید مگر آنکه اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد .

نظریه: واگذاری حق سکنی به زوجه ممکن است ضمن عقد نکاح یا عقد لازم دیگری شرط شود .

نظریه: در صورت تفویض اختیار انتخاب مسکن به زوجه ، این اختیار مطلق بوده و تا زمانی که زوجیت باقی

است ، ادامه دارد و لذا یک بار استفاده زوجه از آن ، ساقط نمی شود . اما زوجه نیز نمی تواند این اختیار را

وسیله اضرار زوج قرار دهد ، حق انتخاب مسکن تا جایی است که متناسب با وضعیت او در حدود ماده (۱۱۰۷)

(قانون مدنی ، آن هم در شهر و کشوری که زوج اشتغال دارد با رعایت اصل (۴۰) قانون اساسی ، با این حال

زوج نمی تواند زوجه را مجبور به سکونت در منزل پدر و مادر خود نماید هر چند مسکن آنها متناسب با

وضعیت زوجه باشد

ماده ۱۱۱۵ - اگر بودن زن با شوهر در یک منزل متضمن خوف ضرر بدنی یا مالی یا شرافتی برای زن باشد زن

می تواند مسکن علی حده اختیار کند و در صورت ثبوت مظنه ضرر مزبور محکمه حکم بازگشت به منزل

شوهر نخواهد داد و مادام که زن در بازگشتن به منزل مزبور معذور است نفقه بر عهده شوهر خواهد بود .

ماده ۱۱۱۶ - در مورد ماده فوق مادام که محاکمه بین زوجین خاتمه نیافته محل سکونای زن به تراضی طرفین معین می شود و در صورت عدم تراضی محکمه با جلب نظر اقربای نزدیک طرفین منزل زن را معین خواهد نمود و در صورتی که اقربایی نباشد خود محکمه محل مورد اطمینانی رامعین خواهد کرد .

ماده ۱۱۲۷ - هرگاه شوهر بعد از عقد مبتلا به یکی از امراض مقاربتی گردد زن حق خواهدداشت که از نزدیکی با او امتناع نماید و امتناع به علت مزبور مانع حق نفقه نخواهد بود

ماده ۱۱۲۹ - در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه و عدم امکان اجرای حکم محکمه والزام او به دادن نفقه زن می تواند برای طلاق به حاکم رجوع کند و حاکم شوهر او را اجبار به طلاق می نماید . همچنین است در صورت عجز شوهر از دادن نفقه .

نظریه: در ماده ۱۱۲۹ کلمه ی حاکم شرع ذکر نشده بلکه فقط حاکم ذکر گردیده و قاضی محکمه خارجی نیز حاکم است ، لذا رجوع زوجه به دادگاه ذیصلاح خارجی جهت اعمال ماده یاد شده بلاشکال است .
نظریه : منظور از اجبار به طلاق محکوم کردن زوج به طلاق همسرش می باشد و در صورت امتناع زوج از تمکین به حکم دادگاه اجرای آن توسط حاکم یا نماینده او به عمل می آید . به هر حال دادگاه در این مورد بدوا باید مبادرت به صدور حکم طلاق نموده و در صورتی که زوج از اجرای حکم دادگاه امتناع کرد چون حاکم ولی ممتنع محسوب می شود نماینده ای به دفتر طلاق معرفی می نماید تا زن را مطلقه سازد .
نظریه : در صورتی که زن ناشزه باشد و بر این اساس محکوم به تمکین گردد ، نمی تواند به استناد ماده ۱۱۲۹ ق . م . تقاضای طلاق نماید.

منابع :

- (۱) صحاح اللغة، كلمه (ن، ف، ق)
- (۲) ر.ك: محقق حلی، شرایع الاسلام، ج ۲، ص ۳۱۹.
- (۳) از جمله آیات دیگری که به موضوع نفقه پرداخته است عبارتست از آیه ۷ سوره طلاق، آیه ۲۳۹ از سوره بقره.
- (۴) وسائل الشیعه، ج ۱۵، کتاب النکاح، ابواب النفقات، ص ۲۲۶.
- (۵) ر.ك: محقق حلی، شرایع الاسلام، ج ۲، ص ۳۴۹؛ علامه حلی، قواعد، کتاب النکاح، المقصد الخامس؛ روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۱۵.
- (۶) التبیان، ج ۱۰، ص ۳۷ همچنین به آیه «لا یكلف الله نفساً الا ما آتاها» تمسک کرده‌اند.
- (۷) ر.ك: میرزای قمی، جامع الشتات، ص ۴۴۳؛ علامه حلی، قواعد، کتاب النکاح، المقصد الخامس؛ جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۳۳۱.
- (۸) محقق حلی، شرایع الاسلام، ج ۲، ص ۳۴۷؛ شهید اول، اللمعه الومشقیه، ج ۱، ص ۲۰۴.
- (۹) وسائل الشیعه، ج ۱۵، کتاب النکاح، ابواب النفقات، ص ۲۳۰.
- (۱۰) به نقل از علامه حلی، ایضاح الفوائد، ج ۱۳، ص ۲۶۸.
- (۱۱) بانک رایگان مقالات www.magshop.org